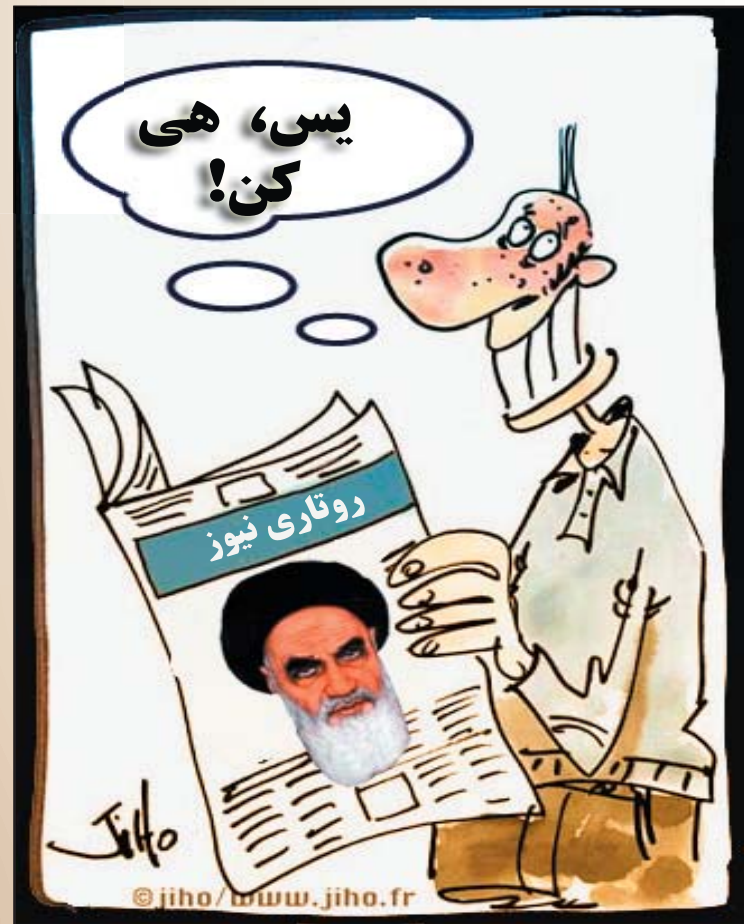


۱ آوریل ۲۰۰۹



## انبه سالاری!

امروز دوازدهم فروردین ماه ۱۳۸۸، سی امین سالگرد تأسیس حکومت طالبان جمکران را به مردم ایران تسلیت می گوئیم و امیدواریم استقرار حکومت گورکن ها غم آخرشان باشد. به این مناسبت سایت آخوندپرست «بی بی سی» مطلبی را به سالگرد ۱۲ فروردین اختصاص داده که در این وبلاگ به بررسی آن خواهیم پرداخت. و اما پیش از ادامه مطلب باید حضور اهالی سایت زمانه، شاخک نعلین پرستان «بی بی سی» عرض کنیم که «مذهب»، یک بنیاد اجتماعی است، و هیچ ارتباطی با «اندیشه» ندارد! پس رویای تحریف و تخریب اعلامیه جهانی حقوق بشر را از سر فاشیست تان بیرون کنید. در ضمن «ایمان» پدیده ای «فردی» است و نمی تواند به صورت جمعی بررسی شود! «ایمان جمعی» در تاریخ بشر نمونه ای جز «ناسیونال سوسیالیسم» و «استالینیسیم» نداشته، پس با توسل به اصل جادویی «ترادف کلی»، فردیت را با امور جمعی در ترادف قرار ندهید. البته ما می دانیم که شما از تفاوت بین «ایمان» و «دین» آگاهی دارید و به دلیل تعلق خاطر به فاشیسم

است که مرز بین مفاهیم را مخدوش می‌کنید، ولی ممکن است دیگران فکر کنند چنین مرزشکنی‌هایی نشان نادانی و بلاهت شماست.

همایش سالانه بروکسل که در وبلاگ «انبه و ناتو» به آن اشاره شد اهمیت فراوان دارد و به همین دلیل رسانه‌های غرب در مورد جزئیات آن همگی خفقان گرفته‌اند. و به همین دلیل برگزارکنندگان همایش از ورود خبرنگاران همراه لاوروف به سالن اجتماعات جلوگیری کردند. ما با بی‌صبری منتظریم که سازمان «گزارشگران بدون مرز» در این مورد خاص که در «جهان آزاد» هم رخ داده سکوت خود را بشکنند! هر چند که بازداشت خواهر رکسانا صابری که سال‌ها «بدون مجوز» در جمکران به «خبرنگاری» اشتغال داشتند از نظر «بدون مرزها» اهمیت بیشتری دارد. می‌دانیم که اینروزها در منطقه پیشرفته داکوتای شمالی، محل سکونت والدین «خواهر» رکسانا، سیل راه افتاده و خلاصه امکان خودکشی ایشان بی‌نهایت افزایش یافته.

بله «گزارشگران بدون مرز» بهتر است با صدور بیانیه در مورد همایش بروکسل جایگاه واقعی خود را مشخص کنند تا ما هم بدانیم سازمان کذا مدافع چه نوع آزادی است؟ حال بازگردیم به ۱۲ فروردین‌ماه سال ۱۳۵۸، روز «فراندوم» شارلاتان‌های سیاسی و نوکران ایالات متحد در ایران که سایت ناخداکلمب و شاخک آن، «زمانه» نیز سخت به آن دخیل بسته‌اند. سایت زمانه، در مطلبی تحت عنوان «سی سال پیش در چنین روزی» بیانیه حزب «شریف» توده را منتشر کرده. به ادعای این سایت بیانیه مذکور در تاریخ ۱۲ اسفندماه ۱۳۵۷ صادر شده، و ۱۲ روز بعد در روزنامه اطلاعات، شیپور روتاری کلاب لندن منتشر می‌شود. سایت زمانه با این «تاریخ‌سازی» نانی هم به حزب توده قرض می‌دهد، تا به ما بگوید، حزب کذا از مواضع زن‌ستیز آقای خمینی مطلع نبوده! چرا که مواضع خمینی در مورد حجاب و زنان بعد از ۱۲ اسفندماه اعلام شد. بگذریم! متن بیانیه حاکی از آن است که حزب توده، از آنجا که خواهان استقلال ملی، دموکراسی و سالم‌سازی اقتصادی و ... و خصوصاً پیشرفت اجتماعی است، نه تنها در «فراندوم جمکران» شرکت می‌کند که از «هموطنان عزیز» هم دعوت می‌کند تا با شرکت در خیمه شب‌بازی سازمان سیا به استقرار حکومت اسلامی رأی مثبت بدهند.

«داس‌الله» در توجیه موضع خائنانه خود توضیح می‌دهد که «نام» این جمهوری هیچ اهمیتی ندارد، مهم محتوای سیاست حکومت است. پس «مردم» باید بکوشند تا یک قانون اساسی مترقی تدوین شود! بله به زعم حزب توده، «مردم» که همه حقوقدان به شمار می‌روند و تدوین قانون اساسی را نیز بر عهده خواهند داشت، می‌باید علیرغم اسلامی بودن چارچوب حکومت، «تلاش» کنند تا قانون اساسی «مترقی» باشد. اگر به این بیانیه نیک بنگریم از تشابه عجیب آن با بیانیه «انتخابات، گفتمان مطالبات محور» دچار حیرت می‌شویم! در بیانیه مذکور نیز که آنرا «بیانیه اصحاب روده» خواندیم «مردم» می‌بایست متصدی اموری می‌شدند که به طریق اولی هیچ شناختی هم از آنها ندارند. به همین دلیل هم استنباط کردیم که بیانیه اصحاب روده دستپخت ساواک

جمکران باید باشد. و دلیل شباهت آن به بیانیه حزب توده در سال ۱۳۵۷، این است که آبشخور هر دو کارخانه رجاله پروری است.

در هر حال بیانیه حزب توده چند روز پس از اعلام مواضع مترقی روح‌الله خمینی و دیگر آخوندهای قوم و قبیله‌اش از جمله آخوند اشراقی در مورد زنان صادر شده! می‌بینیم که شارلاتانیسم داس‌الله اصلاً پدیده جدیدی نیست. امروز متوجه می‌شویم که نیاکان خردمند ما حق داشتند که حزب کذا را همچون نعلین‌ها جیره‌خوار انگلستان بدانند. جناب نورالدین کیانوری در بیانیه خود ضمن تأکید بر پیشرفت و استقلال و دموکراسی و اینجور حرف‌ها به عنوان مواضع حزب توده، می‌فرمایند:

«هموطنان! حزب توده برنامه خود را [...] بیان داشته [...] ما [...] براساس مشی خود [...] به سود جمهوری اسلامی رأی می‌دهیم [...] در مورد نام این جمهوری ما به همان ترتیب که [خمینی آن را] مطرح می‌کند [...] رأی می‌دهیم. زیرا اولاً اصل مطلب محتوای سیاست حکومت‌هاست. مردم مبارز ایران باید بکوشند تا قانون اساسی جدید بر پایه [...] استقلال ملی، صلح و دموکراسی و پیشرفت اجتماعی [...] منظم شود و دولت‌های ناشی از مجلس آینده پیگیرانه در جهت قانون اساسی جدید عمل کند. ثانیاً حفظ وحدت نظر و کلمه همه نیروهای ملی و دموکراتیک در شرایط کنونی یک امر حیاتی است. ما هموطنان عزیز را به دادن رأی مثبت به جمهوری اسلامی در همه‌پرسی آینده فرا می‌خوانیم.»

بله این است برخورد حزب چپ‌نمای توده با مسائل ایران. بیانیه‌های بلاهت‌گستر این حزب با سخنرانی‌های حماقت‌پرور مقامات گورکن‌ها همسوئی کامل دارد، هر دو خواهان «حضور مردم در صحنه» می‌شوند! به این ترتیب مردم بجای «قانون» و حقوق قانونی می‌نشینند و نظم قانونی جای خود را به قانون شکنی و آشوب و هرج و مرج می‌سپارد. و برای تحقق چنین شرایطی بود که خرافات و توهمات دین مبنای «قانون» شناخته شد.

البته دچار توهم نشویم، حزب آشوب‌طلب توده از این امر آگاه بود، به همین دلیل از هموطنان دعوت می‌کرد در «رفراندوم» شرکت کنند و همانطور که «آیت‌الله» خمینی می‌گوید به حکومت اسلامی رأی مثبت بدهند.

حزب آخوندپرست توده نیز مانند خواهر ملیحه محمدی وظیفه داشته و دارد که «بدود» و مردم را به سوی «چاه» هدایت کند. اشتباه نکنیم عملکرد اینان با انبه خوردن بوزینه کذا تفاوت‌هایی دارد، اینان برای استقلال ملی و رفاه اجتماعی و ... انبه را به «هموطنان مبارز» تعارف می‌کنند. اصولاً حزب توده و طلاب شغل‌شان تعارف انبه به توده‌های انقلابی و امت مستضعف و پابرنه است، چرا که اینان به دلیل گرفتار شدن در دام احساسات و عواطف و شور اسلامی و انقلابی، انبه کذا را نسنجیده میل می‌فرمایند. رهبرشان خمینی هم دقیقاً همین برخورد را داشت، فقط امام سیزدهم وقتی انبه میل می‌فرمودند گرفتاری پس دادن آن به گردن دولت موقت می‌افتاد:

«بازرگان افزود [...] نه تنها روی دولت فشار می‌آورند، بلکه آقا را هم تحت فشار می‌گذارند، آقا هم یک پارچه احساس و انقلاب و عطوفت [...] احساسات ایشان را تحریک می‌کنند، آنوقت آقا [...] طاقت نمی‌آورند [...] بدون اینکه از ما بپرسند اعلامیه و دستور صادر می‌کنند و دست و پای ما را توی پوست گردو می‌گذارند. برق و آب را [مجانی کنید] گوشت یخزده [حرام است] اتوبوس مجانی بشود و از این حرف‌ها [...] یکشنبه شب جمعه اخیر یعنی شش روز قبل [...] خدمت‌شان رسیدیم [...] گفتیم [...] آقا [...] شما هم که مثل سایر مردم...»

منبع: زمانه، «سی‌سال پیش در چنین روزی»

بله عبارت «یکشنبه شب جمعه اخیر یعنی شش روز قبل» را به خاطر بسپاریم که چنین تاریخ‌نگاری‌هایی در تاریخ بشر مسلماً بی‌نظیر است. در هر حال این گوشه‌ای است از «انقلاب» اسلامی! چند نوبت در هفته شیخ مهدی بازرگان با آن تهریش کثیف بر صفحه تلویزیون ظاهر می‌شد و از حماقت «آقا» گله می‌کرد و دادگاه‌های «انقلاب» هم دوستان دیروز آخوندها همچون هویدا را اعدام می‌کردند که ارتباطشان با «آقا» و دیگر روسی‌های سیاسی عضو دولت موقت برملا نشود. حال سایت زمانه را رها می‌کنیم و می‌پردازیم به گزارش «بی‌بی‌سی»، مورخ ۳۱ مارس ۲۰۰۹، از فراندوم ۱۲ فروردین‌ماه ۱۳۵۸. این گزارش با شرکت یزدی، بنی‌صدر، فرخ‌نگهدار و صادق زیباکلام تهیه شده و به یک مسابقه حماقت و دروغ‌گوئی شبیه است که در آن یزدی و بنی‌صدر طبق معمول گوی سبقت از دیگران می‌ربایند.

ویژگی مطلب «بی‌بی‌سی» این است که سلطنت برخاسته از کودتای استعماری را در تداوم امپراطوری هخامنشی قرار داده، گروه رجوی و فرخ‌نگهدار را «دمکراتیک» معرفی می‌کند! این گزارش که توسط «مریم رستگار» تهیه شده به ما می‌گوید «فراندوم»، از روش‌های دمکراتیک برای دریافت نظر اکثریت مردم در یک کشور است، در سال ۱۳۵۸، حدود ۹۸ درصد مردم ایران به جمهوری اسلامی «رأی» دادند، ولی مشخص نیست که در پس برگزاری همه‌پرسی کذا اهداف دمکراتیک وجود داشته، در هر حال با این فراندوم، تاج و تخت دو هزار و پانصد ساله برچیده شد!

نخستین پرسوناژ خیمه شب بازی «بی‌بی‌سی»، ابراهیم یزدی، پادوی سازمان سیا است که طبق معمول مهمل و دروغ تحویل مخاطب می‌دهد و نهضت اعزادی را مدافع قانون و حقوق بین‌الملل معرفی می‌کند. یزدی می‌گوید نهضت کذا خواهان برگزاری همه‌پرسی شد. چون لازم بود مردم به «شکل کلی نظام» رأی دهند تا قانون اساسی بر مبنای این انتخاب تدوین و تصویب شود. و اینجاست که بهتر به خیانت حزب عوام‌فریب توده پی می‌بریم. چرا؟ چون وقتی «مردم» به «جمهوری اسلامی» رأی داده باشند تدوین قانون اساسی دمکراتیک به خودی خود منتفی خواهد شد.

پرسوناژ بعدی صادق زیباکلام، از مداحان اکبر بهرمانی است که ادعا می‌کند، شیخ مهدی بازرگان خواهان «جمهوری دمکراتیک» بوده! پروفیسور کم حافظه و خوش سابقه، صادق زیباکلام در یک حرکت با حذف «متین دفتری»، شیخ مهدی بازرگان را بجای وی می‌نشانند که نانی برای فدائیان فکل کراواتی اسلام به تنور فریب چسبانده باشد. پیش از ورود امام سیزدهم، مصطفی رحیمی در یک نامه سرگشاده تضاد «جمهور» را با اسلام مطرح کرد. در آنروزها شیخ مهدی برانداز خفقان اختیار کرده بودند. خوشبختانه متن نامه رحیمی هنوز موجود است، اعتراض متین دفتری را نیز به جمهوری نیست در جهان «اسلامی» نمی‌توان از صفحه تاریخ ایران زدود. در ضمن هنوز هیچ چسبی در جهان اختراع نشده که با آن بتوان یک فاشیست مسلمان بازار تهران را به «دمکراسی» چسباند. همچنین هیچ چسبی نمی‌تواند جریانات چپ مرز پر گهر را به «سکولاریسم» وصل کند، چون گروه سکولار نمی‌تواند نعلین پرست باشد! نفر بعد!

نفر بعد، حاج فرخ نگهدار از رهبران «داس‌الله» است که مانند همه انقلابیون جیره‌خوار سفارتخانه کذا در لندن، قبله مسلمین جهان اقامت دارند! این روزها رفقای سابق پته دوستی ایشان را با لاجوردی هم بر آب افکنده‌اند. فرخ نگهدار، در ضمن پای ثابت «بحث آزاد» با مصباح یزدی و سروش بود و در بحث‌های روشنفکر نمایانه رل نعش را بخوبی ایفا می‌کرد. این مبارز بزرگ جمکران فرموده‌اند:

**«گروه‌های دمکراتیکی مانند فدائیان خلق و مجاهدین معتقد بود که پیش از برگزاری همه پرسی باید یک بحث اجتماعی فراگیر انجام شود [...] ولی حمایت بیشتر جامعه از [خمینی] باعث شد تا [حرف او] پیش برود.»**

عجیب است که در برهه مشخصی «اکثریت جامعه» اراده خود را بر اقلیت تحمیل می‌کنند ولی همین جامعه، امروز در برابر یک «اقلیت» حاکم اینچنین عاجز مانده! چرا؟ چون در واقع زمانیکه منافع استعمار با مطالبات گله گمشده همسوئی داشته باشد، اکثریت «جامعه» همه کاره می‌شود! زمانیکه مطالبات ملی مطرح می‌شود، استعمار پشت سر اقلیت حاکم قرار می‌گیرد. اینگونه است که چپاول و سرکوب ما ملت همواره از طریق «تمرکز بر یک نقطه» امکانپذیر شده: قرارداد تنباکو، ملی شدن نفت، نفرت از شاه، نبرد با آمریکا، آزادی قدس، اصلاحات، انرژی هسته‌ای، و امروز قایم باشک با باراک اوباما! از مطلب دور افتادیم بازگردیم به سخنان فرخ نگهدار که می‌گوید، در رفراندوم شرکت نکردیم چرا که دمکراتیک نبود! نمی‌دانستیم داس‌الله در ایران طرفدار شیوه‌های دمکراتیک بوده! فرخ‌جان! چرا زودتر نگفتید که ما هم به صفوف دمکراتیک شما و مجاهدین بپیوندیم!؟

بنی صدر آخرین پرسوناژ خیمه شب‌بازی ناخداکلمب است که وارد صحنه می‌شود، ایشان به عنوان حسن ختام می‌آیند چرا که بیش از دیگران مهمل می‌بافند و باعث انبساط خاطر شنوندگان می‌شوند. آخوند بنی صدر متخصص اختراع «اسلام نوین»، اخیراً در روزنامه‌شان هم اعلام کرده‌اند «اسلام با جنگ برای اشاعه دین مخالف است!» به این ترتیب متوجه می‌شویم که محمد برای اسلام نمی‌جنگید و کسی را تهدید نمی‌کرد که اگر اسلام نیاوری سرت را با یک ضربت از بدن جدا خواهیم کرد! آنکسی هم که می‌گفت موی زن اشعه دارد حتماً این «بنی‌صدر» نبوده! آن اسلام با «اسلام مترقی»، ویراست اربابان بنی‌صدر متفاوت است، آن بنی‌صدر هم با این یکی، تومنی هفت‌صنار فرق می‌کند! در هر حال بنی‌صدر «مترقی» می‌گوید، خمینی اول گفت «جمهوری اسلامی دمکراتیک»، بعد دمکراتیک را برداشت! بنی‌صدر می‌افزاید، منظور از «جمهوری» استقلال مردم در حاکمیت بود! بله، این تعریف نابغه بزرگ از جمهور است: استقلال مردم در حاکمیت!

«به این معنا که هیچ مقامی در داخل مرزها شریک حاکمیت مردم نیست و در بیرون مرزها هم هیچ قدرت خارجی شریک این حاکمیت نخواهد بود»

البته خارج از لفاظی‌ها، جمهوری اسلامی همانقدر ابلهانه است که جمهوری اسلامی دمکراتیک! ولی اینکه به صرف تغییر نام، یک حکومت دست‌نشانده و کودتائی به یک حاکمیت مستقل تبدیل شود، حتماً از اختراعات بنی‌صدر است. اخیراً ایشان پیشنهاد مضحک‌تری هم به نام «ولایت جمهور» مطرح کرده‌اند. پروفیسور بنی‌صدر می‌گوید، قرار بود ولایت جمهور باشد ولی در مجلس خبرگان همه چیز تغییر کرد! ای بابا! دیدید پروفیسور بنی‌صدر چطور از این‌ها رو دست خورد؟

هموطنان! ما [...] براساس مشی خود [...] به سود جمهوری اسلامی رأی می‌دهیم [...] در مورد نام این جمهوری ما به همان ترتیب که سازمان ناتو آن را مطرح می‌کند [...] رأی می‌دهیم. زیرا اصل مطلب خواست استعمار است. حفظ وحدت همه نیروهای ضدملی و انسان‌ستیز در شرایط کنونی یک امر حیاتی است. ما هموطنان عزیز را به دادن رأی مثبت به جمهوری اسلامی در همه‌پرسی آینده فرا می‌خوانیم [...] گروه‌های دمکراتیکی مانند فدائیان خلق و مجاهدین معتقد بودند که پیش از برگزاری همه‌پرسی باید یک بحث اجتماعی فراگیر انجام شود [...] ولی حمایت استعمار از خمینی باعث شد تا حرف او پیش برود. [...] بازرگان افزود [...] یکشنبه شب جمعه اخیر یعنی شش روز قبل [...] خدمت‌شان رسیدیم [...] گفتیم [...] هیچ مقامی در داخل مرزها در برابر قانون مسئول نباشد، در بیرون مرزها هم هیچ قدرت خارجی شریک این حاکمیت نخواهد بود، این حاکمیت باید پادوی ابدمدت سازمان دین‌پرور ناتو باقی بماند [...] انبه خوب هم داریم!